

حیف اگر این نعمت فقط صرف دنیای جوانان نشود

غلام رضا گلی زواره

نعمتی ارزشمند

جوانی، در میان الطافی که خداوند به انسان عطا کرده است، ارزش بسزایی دارد. هر چند بشر، درباره اهمیت آن کم‌تر اندیشیده، و موفق نشده است این مظهر رحمت و لطف پروردگارش را درک کند و در برابر آن، سپاس‌گزاری راستین باشد.

در مکتب پرافتخار اسلام و در سیره و سخن و زندگی فردی و اجتماعی معصومان علیهم‌السلام، توجه به نسل جوان، بهره‌گیری از این مجال و شکوفایی استعدادهای جوانی، از اهمیتی بسیار برخوردار است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به ابوذر غفاری توصیه کرده‌اند، جوانی را پیش‌پیری غنیمت شمار؛ (امام صادق علیه‌السلام در فرازی از تفسیر آیه «وَلَا تَسْ نَصِيبَكَ مِنَ الدِّينِ»، روایت کرده‌اند: سلامت، نیرومندی، فراغت، جوانی و نشاط خود را فراموش نکن و در دنیا از آن بهره‌برداری کن و متوجه باش که از چنین سرمایه‌های بزرگی، به نفع امور معنوی و آخرتی، بهره ببری.^۲

آری! در فرهنگ قرآن و عترت، دوران جوانی، روزهای مسئولیت، بیداری و به خود آمدن است؛ زمان شکوفایی، کار و تلاش. در این روزها، جوان باید به سعادت خود و جامعه فکر کند و در راه خوشبختی دنیا و آخرت خویش، گام بردارد تا بتواند چنین مجال بی‌نظیری را که تجدید نمی‌شود و بازیافت ندارد، قدر بدانند.

حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: دل جوان، هم‌چون زمین خالی، مهیای کشت و زرع است؛

هر بذری در آن افکنده شود، بپذیرد و پروردد^۳ و امام صادق علیه‌السلام، خطاب به ابوجعفر حول درباره دعوت به حق و بنیان نهادن حکومتی عادلانه، خاطر نشان نموده‌اند: به جوانان بپرداز، زیرا زودتر از پیرها به کارهای خیر (و امور مورد پذیرش خداوند) روی می‌آورند.^۴

بنابراین، پیروان مکتب وحی و عترت باید ارتباطی تنگاتنگ، عمیق، شکل‌دهنده و جهت‌بخش با جوانان داشته باشند و بکوشند با آنان هم‌زبان شوند.

امام خمینی: هم‌دل و هم‌زبان جوانان

در میان رهبران نهضت‌ها و ملت‌ها، امام خمینی (ره) اسوه‌ای بی‌بدیل است که با پیروی از نیاکان پاکش، از سال‌های جوانی، سجایای اخلاقی و کرامت‌های انسانی را در وجود خویش متجلی ساخت؛ آن‌گاه، راهنما و دلیل راه مردم شد و با فیض انفاس قدسی و به مدد دم مسیحایی خود، به قلب‌ها و جان‌ها، زندگی و پویایی ویژه‌ای بخشید و آنان را که مستعد هدایت و رهایی بودند، از گرداب هلاکت و غرقاب نیستی، خلاصی داد و به ساحل آرامش و نجات، رهنمون ساخت. حضرت امام، در عین حال که به تحصیل و تدریس رشته‌های گوناگون علمی، اخلاقی، عرفانی و... اشتغال می‌ورزید، همواره خدمت به دین و مهربانی بر همگان، بویژه جوانان را مطلوب خویش تلقی می‌کرد و از هر مجالی، به منظور تعالی و تکامل روح و اندیشه نسل نو، بهره می‌جست و از همان آغاز رهبری خود نشان داد که مخاطبان و امیدهایش را در گهواره‌ها، مدرسه‌ها و دانشکده‌ها می‌جوید و می‌پرورد.

جوان: سرمایه معنوی کشور

آن‌گاه که به بازخوانی پیام‌ها و سخنان بلند آن عزیز می‌پردازیم، در می‌یابیم که حضرت امام، از تمامی زمینه‌ها و مایه‌های علمی، برای تاثیرگذاری بر روح و جان جوانان، در مسیر هدف‌های معنوی انقلاب، بهره‌مند شده است. حضرت امام، با آگاهی از جنبه‌های شخصیتی و روان‌شناختی این قشر، شرایط و مسایل فرهنگی و تحلیل

نفوذ معنوی و قدرت شگرف و تاثیر حیرت‌انگیز کلام امام، عاشقان و دلدادگان را در میان جوانان پرورش داد که بسیاری از اهل معنا و معرفت، به حال آنان غبطه می‌خوردند.

مباحث سیاسی در حساس‌ترین شرایط سیاسی، جوانان را مخاطب قرار داده است. امام عقیده داشت که جوانان، سرمایه‌های ارزشمند معنوی یک کشورند و از همین رو بود که نگاه داشت، حفظ و رشد این سرمایه‌ها را بسیار مهم تلقی می‌کردند و به تکلیف خطیری که در جلوگیری از خطر غفلت جوانان به عهده همگان بود، توجه ویژه‌ای داشتند و این غفلت را دو سویه می‌دانستند: غافل شدن جوانان از ارزش‌ها، اصول و مبانی دینی و اعتقادی از یک سو و غافل شدن اولیا و مسئولان فرهنگی و فکری جامعه از نسل جوان از سوی دیگر.

امام به اصل بیداری و هشاری جوانان، اعتقادی راسخ داشت و در موضع‌گیری‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌ها و نصیحت‌های خویش، به این بعد توجهی ویژه داشت.





عکس: سپهرانی

جوانی: فصل تعالی و کمال طلبی

حضرت امام، به خوبی می‌دانست که در دوران جوانی، روح عرفان، اخلاق و معنویت، متجلی می‌شود و این قشر جوان است که می‌تواند آماده پذیرش فضیلت‌ها و ارزش‌های الهی باشد و زمینه‌های کمال‌طلبی در چنین نسلی به خوبی بروز می‌کند؛ از این روی، بر این باور بود که باید بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و تلاش‌گران عرصه فکری و فرهنگی، متوجه این قشر باشد و نیز لازم است، محور اساسی و اصلی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مخاطب‌های اصلی رسانه‌های جمعی، همواره جوانان باشند.

نگاه ژرف و همراه با بصیرت سکان‌دار اصلی انقلاب اسلامی در امر مبارزه، دست‌مایه‌ای بود برای آن‌که در راستای توجه به تمامی اقشار درگیر در امر مبارزه، عنایت ویژه نسبت به جوانان، مورد غفلت قرار نگیرد. درک و شناخت راستین امام از مراتب و کمالات انسان و نیازهای واقعی جوانان، سبب توجه و تذکر نکته‌های لازم به نوجوانان و جوانان جامعه شد و حساسیت بسیار نسبت به رشد جنبه‌های روحی و معنوی، در میان نسل پرانرژی جوان، سبب شد که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، تحول چشمگیری در قشر جوان جامعه پدید آید و گروه زیادی از خداجویان رها شده از امور پست و حیوانی، راه سعادت خود را در تزکیه نفس و سلوک به سوی حق بجویند. نفوذ معنوی و قدرت شگرف و تأثیر حیرت‌انگیز کلام امام، عاشقان و دلدادگانی را در میان جوانان پرورش داد که بسیاری از اهل معنا و معرفت، به حال آنان غبطه می‌خوردند.

از سوی دیگر، نسل جوان جامعه، گمشده و الگوی برتر خویش را در وجود پربرکت و شخصیت جامع حضرت امام یافتند و کوشیدند به اخلاق و رفتارشان اقتدا کنند و رهنمودهایش را در عرصه‌های ایستادگی، فرهنگ و اخلاق، به کار بندند.

تقدیر و تجدید ویژه امام از جوانان

حضرت امام، از خداوند، کامیابی همه مسلمانان، بویژه جوانان را در از بین بردن استعمار و کارگزاران خیانت‌کار، خواستار شد و بر جوانان پر شور و بیدار حوزه و دانشگاه که با قیام و استقامت خود، وفاداری خویش را به اسلام و کشور ایران ثابت کردند، درود فرستاد^۵ و در فراز یکی از بیانات خویش فرمود: «ای جوانان! خداوند، پشتیبان شما باشد. من به همه شما ارادت دارم، اخلاص دارم، محبت دارم، دوستی دارم. شما از خود من هستید و من هم از خود شما. ان شاء الله موفق باشید، موید باشید، جدیت کنید در تحصیل... جدیت کنید در این‌که خودتان را خوب بار بیآورید. خدا حفظتان کند، سلامت باشید ان شاء الله...»^۶

امام، پاکي، لطافت روح و صفای باطن جوان را از ویژگی‌های مهم این قشر می‌داند و از این رو، از جوانان می‌خواهد تا چنین توانایی‌هایی را دارند و می‌توانند در برابر مفاسد اخلاقی قیام کنند، بیشتر به اصلاح نفس توجه کنند

امام در بیانی دیگر، امید خود را به جوانان، چنین بروز می‌دهد:

«ان شاء الله خدا این جوان‌های ما... که مشغول بودند از اول تا حالا و فداکاری کردند، برای ما، برای اسلام نگه دارد، این‌ها را من دعاگو هستم، من خدمت‌گزار این‌ها هستم»^۷ امام، قشر جوان را که چون سدی محکم در برابر دشمنان

چنین نشاط معنوی خبری نیست.

«این تأثر قلبی و تصور باطنی، در روزهای جوانی، بهتر حاصل می‌شود؛ زیرا که قلب جوان، لطیف و ساده است و صفایش بیش‌تر است و واردات آن کم‌تر و تراحمات در آن کم‌تر است»^۸

امام بر این باور است که آدمی تا جوان است، می‌تواند به سوی قله ایمان و پاکی گام بردارد؛ چرا که هنوز ریشه‌های فساد در قلبش جای نگرفته است و چنین دلی، لطیف و ملکوتی است. از سوی دیگر، وقتی ما چنین روزهایی را غنیمت شمریم، اگر هم گذشت، دیگر جای تاسف ندارد؛ زیرا در راه خدا مصرف شده و آن‌چه در مسیر حق و رضایت پروردگار بگذرد، تازه به دست آمده است و برکت‌های آن هم هر لحظه، روبه فزونی است. به علاوه، در سال‌های جوانی، انسان اراده قوی دارد و می‌تواند چون سدی در برابر ابتذال و فساد و شهوت بایستد و قوه جوانی، می‌تواند آدمی را بر قوای شیطانی غلبه دهد:

«شما جوان‌ها، بهتر می‌توانید تحصیل نفس کنید، شما به ملکوت نزدیک‌تر هستید. در شما آن ریشه‌های فساد کم‌تر است، رشدش کم‌تر است. جوان، زودتر اصلاح می‌شود. حالا که جوان هستید، سیر خودتان را بکنید»

امام در وصیت نامه سیاسی - الهی خود تأکید می‌فرماید، جوانان به دلیل همین ویژگی‌های معنوی، راه انبیا و اولیا را ادامه می‌دهند و در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، جرعه‌هایی از شهادت را نوشیده‌اند که چنین به وجد آمده‌اند و سپس می‌افزاید: چنین نفعه الهی، بر آنان گوارا باد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۳.
۲. کافی، ج ۲، ص ۴۵۴.
۳. نامه ۳۱، نهج البلاغه.
۴. وافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، جزء ۲، ص ۲۱۰.
۵. تبیان، دفتر ۱۶، صص ۳ و ۴.
۶. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۹۳.
۷. همان، ج ۱۰، ص ۱۵۷.
۸. تبیان، همان، ص ۶.
۹. روزنامه قدس، شماره ۳۳۹۶، تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۷۸.
۱۰. چهل حدیث، امام خمینی، ص ۲۷۲.

ایستادند و برای رضای پروردگار، فداکاری و جان‌فشانی و از ارزش‌های قرآنی و اسلامی پاسداری کردند، محبوب خداوند متعال می‌دانند^۹ و چنین نیروی ارزش‌مندی را افتخار اسلام و سرزمین ایران معرفی می‌کند.

در مجموع، از بیانات و رهنمودهای امام در ارتباط با جوانان بر می‌آید که:

۱. هم خود بیدار باشند و هم جامعه را از بی‌توجهی و بی‌تفاوتی و نادانی، نجات دهند؛
۲. در شناسایی اسلام، جدیت کرده، قرآن را بیاموزند و به کار بندند و در پیشبرد آرمان‌های اسلام، بکوشند؛
۳. با کمال قدرت، به سوی تعالی و ترقی گام بردارند و از توطئه‌های شیطانی، هراس به خود راه ندهند؛
۴. از اختلاف و تفرقه بپرهیزند و در تقویت اراده خود همت ورزند؛
۵. کشور را از وابستگی‌های فکری، سیاسی و اقتصادی برهانند و استقلال واقعی و همه جانبه و کاملی را به ارمغان آورند.

امام، به نقش جوانان در به ثمر رساندن نهضت و برپایی نظام اسلامی و نیز فداکاری آنان در دفاع مقدس، تأکید دارد و نصیحت‌های بالا را در برهه‌هایی از تاریخ مطرح کرده‌اند تا نسل جوان، در روند مبارزه و مقاومت و تلاش در کسب علم و ایمان، لحظه‌ای غافل نشود و نیز توجه داشته باشند آن‌چه که موجب پیروزی در عرصه‌های گوناگون شده، سلاح ایمان است:

«آن‌چه جوانان کشور ما را دارای یک چنین جایگاه و منزلتی کرد، آن‌چه بدانان نیرو داد تا نهضت را به دروازه‌ای پیروز برسانند، آن‌چه نسل جوان را در دنیای سراسر مادی امروز هویت بخشید و آن را به سرمنزل مقصود و عروج هدایت کرد، یک چیز بود و آن، نیروی ایمان جوانان ما به اسلام بود»^۹

صفای معنوی

امام، پاکي، لطافت روح و صفای باطن جوان را از ویژگی‌های مهم این قشر می‌داند و از این رو، از جوانان می‌خواهد تا چنین توانایی‌هایی را دارند و می‌توانند در برابر مفاسد اخلاقی قیام کنند، بیش‌تر به اصلاح نفس توجه کنند؛ چرا که در سال‌های بالاتر، هم قوای آدمی به تحلیل رفته و هم دیگر از